Dastkhed Haglaabi

Manuscript specimens of
Persian writing

Alex° I. Cotheal

بسم الله الرحمن الرحیم

در توحید حق تعالی

زیبا بس آغاز سخن نام آنکی

خداوندیست که پادشاهان

روی زمین بر آستانش

جبین نیازی می‌ساید

خسروان با عز و تمکین

از درگاهش اوج بخت

تاج می‌یابند و سرآرایش

انجام کلام اسم سامی

مالک الملکی است

که بسیط زمین اقصای

مملکتش بقعه است و

اوراق سپهر از کتا

حکمتش رفعت است

هو الغفور

بلندی ده آسمان فرازان
سپری بخش تخت بلند اختران

دیگر

طرازندهٔ بزم کارآگهی

فرازندهٔ چتر شاهنشهی

تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم

نیایش بدرگاه ایزد تعالی

کاف ا دل الق ف ری
بدره لا خاتم ص سما

لیک آن که چون التصیقل
نا انلله رد یخیل و یحیی بر لتا

کاو النقش کبسته فلا
خاطرم وصوق لا لعمر لعوحیا

مدابّة الم حلبوا لاتيه كللما

وصابت الكتب اخذ نك لبسه

بالحاكم امل ما عاشت دله



کحل دولت شه ملتن دره مطرش
موی زنهار تلین زر و با عبادتش سیاه

رباعی

تا مرا سحر کران معنی
تا خوب بیاید ز اندیشه

[illegible]

ولله الحمد که با توفیق ایزدی

[illegible]

[illegible]

تمام شد



بسم الله الرحمن الرحيم

در تعریف پادشاه

زهی پادشاه عالم پناه وخهی شاهنشاه

گردون بارگاه جمشید نوشیروان

معدلت دلارای سکندر فطرت طرازنده

اورنك فرمانرواى فرازنده

افسر جهانكشايى چمن پيراى

بهار عظمت واجلال فرما
كه بلاد انتسابات بزى

كلشن دولت واقبال انجم

خلد فلك جناب كردون خيمه كلستان

طناب قمر و زهره عطارد خشم عطارد

دبیر ماه علم

آسمان کیست آستان داریش

کهکشان چیست کلاه دیوارش

پایهٔ سریرش هفت اورنگ وسیع

رسیده و گوشه کلاه هشتی

سر با کلیل ماه کشیده تیغش

شعله برقیست کرد و دود

از نهاد دشمن برآید

آری و تیرش رگ ابرکیست

که باران ظفر می بارد

قطعه

وصف قدر و حشمت

او کی توانم شرح کرد کز

شکوه عز و اقبالش

زبانم گشت لال تا

بود همکن و مهر

اوج فلک بادت

آفتاب دولت او

بی زوال

باختتام رسید



بسم الله الرحمن الرحیم

در عرض حال خود

گر ز قرب الطافی
چون آقا خود اقتدائی

وجوهر

خلد فقتل الا من بسر
شاه جهان مالک دو

خوشش

ای صنعتت برون ز عرضی
له فی ما تعقل ز تا

رباعی

شاهی که زمانه تابع رای
وی است گردون
خجل از همت والای وی

وکی انشت بر اوج

سپهر نور ما لا وخه شیل

از قبه چتر عرش فرسای

وکیت

زهی پاسی در تحصیل علم



و تحریر خطوط صرف کرده مقدار خود بهره گرفتم

خواستم که کتابی در تعریف و توصیف ذات

پاک بندگان حضور عالی متعالی خداوند نعمت خلد الله ملکه و

ابد اجلاله تحریر و تصنیف نموده در حضور پرنور

گذرانم با نظر ترحمی بر محنت و مشقتم مبذول گردد

و پرورش تجویز خدمتی شود لهذا این چند حروف

واسطه حصول معاش انگاشته امیدوار پرورشم

فرد

ای که در قدرتت هم نسخه وحدت است ... منت خاکی قالبم گر میکنی آدم مرا

باختتام رسید

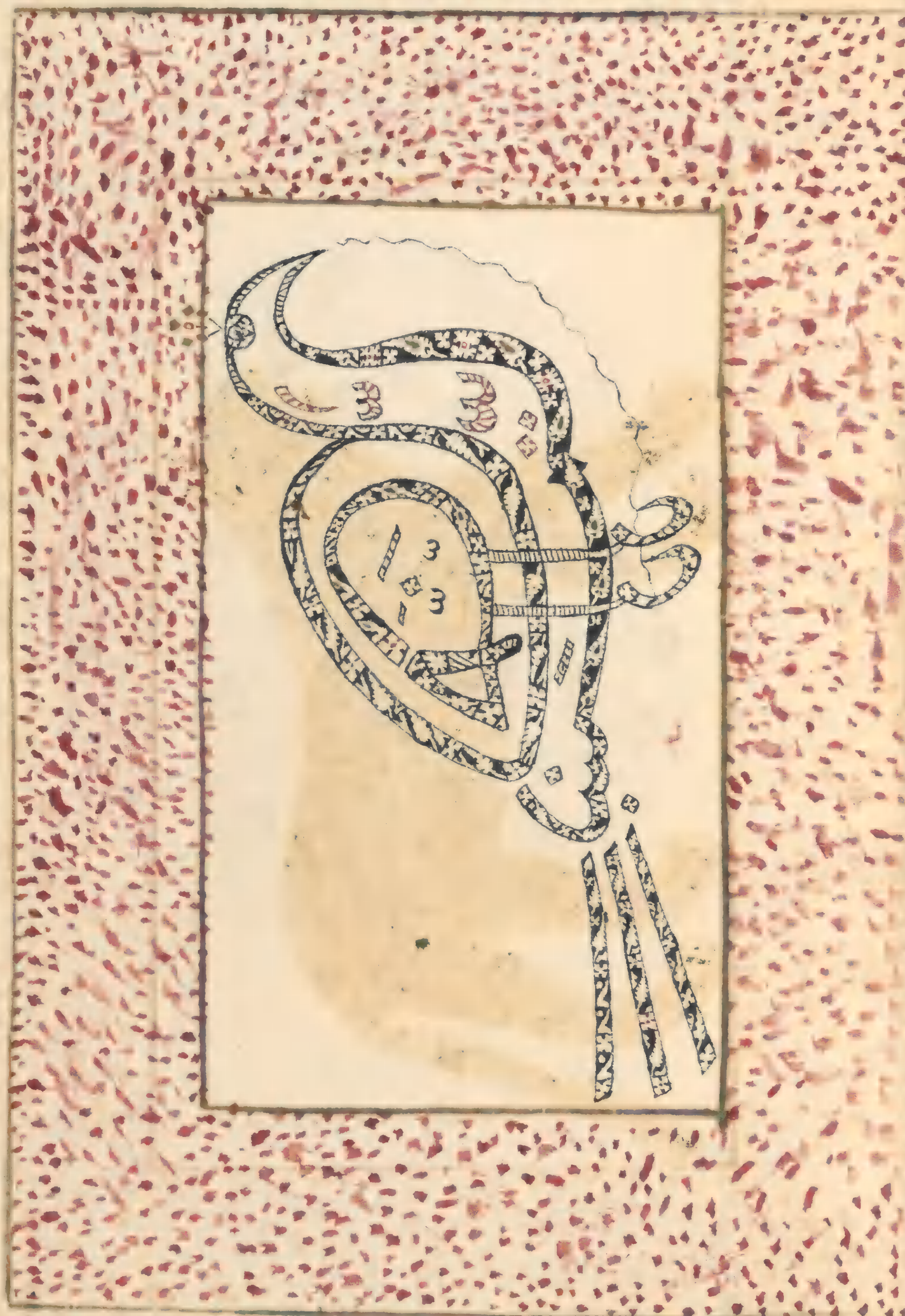






















خط بندی بقاعده گلدار

॥ श्री ॥

श्रीगणे ॥

शायनमः ॥

कखगा

पटः

بقاعده گلزار

نسخ و تعلیق



خط نسخ وتعلیق بقاعدهٔ ریحان



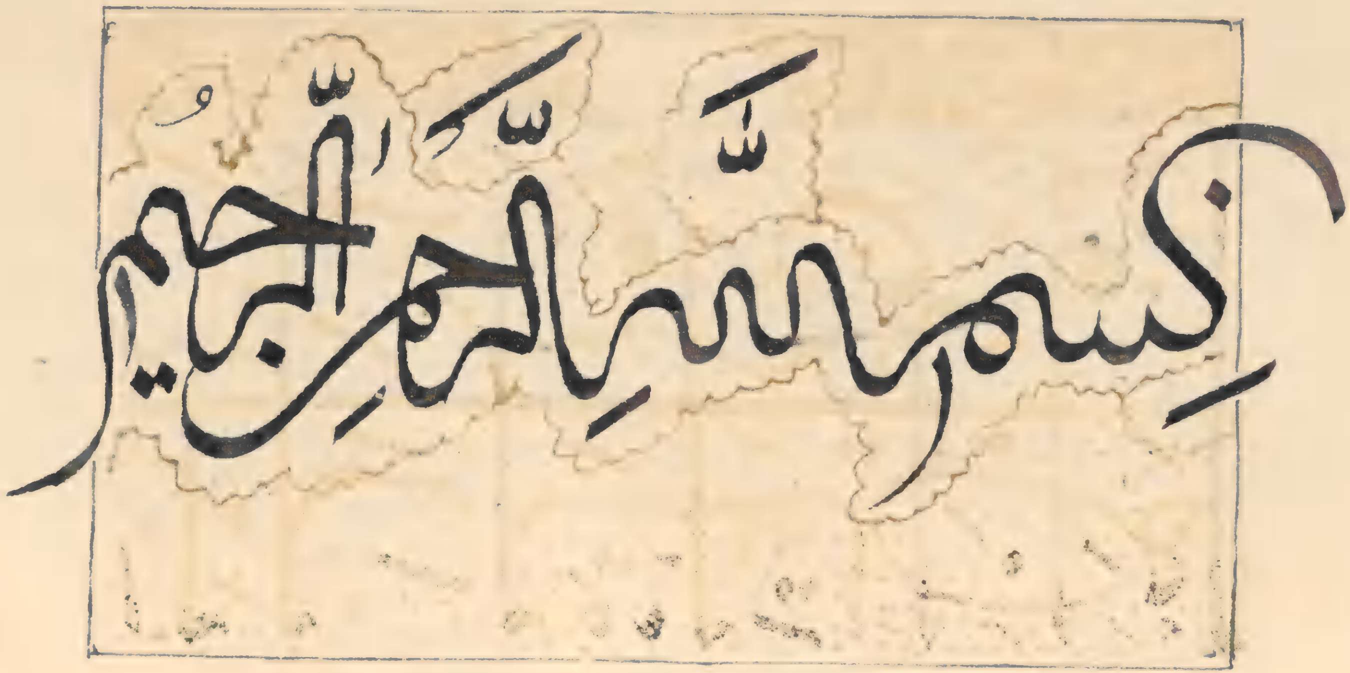


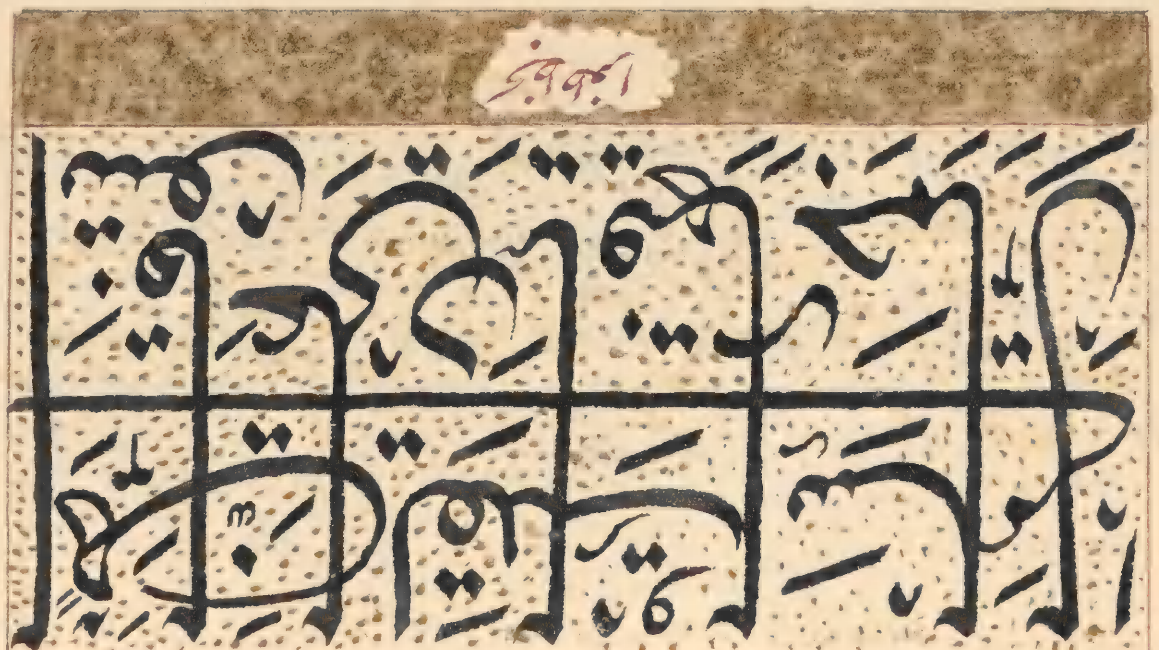
خط نسخ و تعلیق بقاعده گلزار



خط نسخ و تعلیق بقاعده گلدار




بسم الله الرحمن الرحيم



ابجد هوز حطی کلمن سعفص

قرشت ثخذ ضظغ من یحسن الخط

دخل الجنة

محرر و مصنفہ فقیر گلاب سنگھ ساکن تاجگنج

طالب علم مدرسہ سرکار فیض آثار کمپنی انگریز بہادر

تمام شد

1785

Alexr I. Cotheal